

بازخوانی نقش بانک استقراضی در اقتصاد ایران

◆ دکتر مرتضی دهقان نژاد^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۶/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۶/۷

چکیده

در مقاله حاضر سعی بر این است که ضمن تشریح بسترهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایجاد بانک استقراضی روس، نقش این بانک در اقتصاد ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. با این هدف، سابقه ایجاد بانک در ایران از جمله بانک شاهنشاهی به طور کلی و بانک استقراضی به طور اخص مورد توجه قرار گرفته است. نگارنده با استناد به مفاد قرارداد تنظیم شده و عملکرد بانک مزبور نتیجه می‌گیرد که دولت روسیه با ایجاد این بانک درصدد تثبیت سلطه سیاسی خود و به نوعی سلطه پایدار اقتصادی بوده است. بانک استقراضی می‌کوشیده است در قالب فعالیت‌های اقتصادی منابع مالی ایران را جذب و به روسیه منتقل کند و دولت روسیه نیز با تمام قوا در خدمت آن قرار داشته است. به اعتقاد نگارنده از منظر اقتصاد سیاسی است که می‌توان دست‌اندازی‌های روسیه به ایران را توجیه کرد و به تحلیل جایگاه بانک استقراضی روس به عنوان شعبه‌ای از ساختار سرمایه‌داری نوپای روسیه پرداخت. جایگاه بانک استقراضی در اقتصاد و سیاست ایران با طرح موضوعاتی نظیر نقش آن به عنوان ابزار فشار بر نخبگان، تأثیر آن بر تجارت و تجارت در ایران، سرمایه‌گذاری بانک مزبور در صنعت نفت ایران، خروج پول نقره از کشور و کاهش ارزش پول، بانک راه نفوذ اقتصادی - سیاسی روسیه در ایران و کارشکنی این بانک در ایجاد بانک ملی پی‌گرفته می‌شود.

کلید واژه‌ها:

بانک استقراضی / روسیه / بازار / قدرت انحصاری / آثار اقتصادی / آثار اجتماعی / بازرگانان / بازرگانی خارجی / ایران / سیاست بازرندگی / توسعه اقتصادی / بانک ملی ایران / قاجاریه / استقلال سیاسی / استقلال اقتصادی / بانک شاهنشاهی

مقدمه

لرد کرزن، دربارهٔ ایران عصر قاجار نوشته است: «ایران، نه کشوری قوی است و نه در جادهٔ ترقی است و نه عناصر وطن پرستی دارد؛ کشاورزی آن در وضع ناهنجاری است؛ منابع ثروتش عاطل مانده است؛ تجارتش لنگ و کار حکومتش تباه است و قشون آن، به صورت مرموزی درآمده است ... برانداختن بی تأمل جنگل‌ها و هدر رفتن منابع آب، میزان متوسط کشت و کار را در آنجا تقلیل داده است. در حال حاضر کم‌تر از سابق در ایران بارندگی می‌شود ...؛ در گوشه و کنار همه جا آثار ویرانی و اهمال نمودار است. مسافر اتفاقی، در پیرامون خود فقط شهرها و دهات متروک و بازارهای خالی و دیوارهای کهنه و پوسیده و برج‌های فروریخته و باغ‌های بی‌درخت و گیاه و کاروانسراهای خراب و پل‌های شکسته خواهد دید و در حیرت خواهد افتاد که شاید نعمت حرکت و برکت از مردم و خود آن سرزمین رخت بر بسته است و آثار انقراض و زوال از در و دیوار ...» (کرزن، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۴۷)

این موارد - باتوجه به پیشرفت‌هایی که در جهان صورت گرفته بود - دقیقاً نشانه‌های کشوری عقب‌مانده از قافلهٔ تمدن است. حال، پرسش این است که باتوجه به رونق اقتصادی و آبادانی ایران در روزگار صفوی بویژه عصر شاه عباس، چه اتفاقی رخ داده بود که این سرزمین بدان روز افتاده بود، تا آنجا که یکی از نمایندگان دول اروپائی، ایران آن روزگار را، به منزلهٔ ویرانه‌ای توصیف می‌کند؟

هرچند در این باره سخن فراوان گفته شده و نظریات گوناگونی نیز به صورت فرضیات متعدد و گاه متناقض مطرح گردیده است، مانند نظریهٔ امپریالیسم که برای توسعه‌نیافتگی عاملی بیرونی جستجو می‌کند و یا نظریهٔ وابستگی، نظریهٔ بازی بزرگ، نظریهٔ دایرهٔ فقر، نظریهٔ استبداد شرقی ...، ولی ظاهراً هیچکدام را نمی‌توان علت اصلی چنین وضعیتی دانست، بلکه مجموعه‌ای از عوامل از جمله عوامل ذکر شده، در این میان تأثیرگذار بوده است که در این مقال، مجال پرداختن بدان نیست.

هرچند در یکصد و سی سال اخیر بسیاری از

راه‌حل‌های پیشنهاد شده نیز در قالب برنامه‌های متعدد عمرانی و اصلاحی، اجرائی شده، ولی هنوز هم ایران به دلایل متعدد مانند پائین بودن درآمد تولید خالص ملی، وابستگی شدید به فروش نفت و واردات انواع کالاها، در زمرهٔ کشورهای عقب‌مانده و یا اصطلاحاً در حال توسعه می‌باشد، و فارغ از آمارها و ارقامی که ارائه می‌شود، وضعیت ما نسبت به حرکت همه جانبهٔ جهانی در حوزهٔ توسعه، همانند گذشته است. لذا پرداختن به ریشه‌های وابستگی و عقب‌ماندگی - که بخش اعظم آن در عصر قاجار رقم خورده و یا حداقل آشکار شده است - می‌تواند مفید باشد تا شاید نخبگان سیاسی، در مقام تصمیم‌گیران اصلی در حوزهٔ تعیین مسیر حرکت سرزمین (به شرط کارآمد بودن)، بتوانند با پرداختن به آن‌ها، راهی برای برونرفت از این تنگنا پیدا کنند، بویژه توجه به مقولهٔ اقتصاد و بانک به عنوان مهم‌ترین بنگاه اقتصادی که شکل‌گیری آن در ایران، نه براساس منافع ملی بلکه برپایهٔ منافع یک اقتصاد در حال توسعه در خارج از چارچوب منافع ملی ایرانیان شکل گرفت و هرچه بیش‌تر رشد کرد، موجب زیان بیش‌تر گردید!

سابقهٔ ایجاد بانک در ایران

در ایران نخستین بار که سیاستمداران سخن از تأسیس بانک به میان آوردند، در سال ۱۲۸۰ ق. بود. به این معنی که وقتی محمودخان ناصرالملک، وزیر مختار ایران در لندن و حسنعلی خان امیرنظام گروسی، وزیر مختار ایران در پاریس، برای ایجاد راه‌آهن در ایران با سرمایه‌داران اروپائی مذاکره می‌کردند، موضوع تأسیس بانک نیز مطرح شد. چراکه ساختن راه‌آهن مستلزم صرف مبالغ هنگفت و داد و ستدهای بسیار بود. از جمله، ژان ساوالان فرانسوی جهت تأسیس بانک با سرمایهٔ دو میلیون لیبرهٔ انگلیسی، به نمایندگی شماری از سرمایه‌داران و صرافان فرانسه، در رمضان ۱۲۸۱/۱۸۶۴ م. به دولت ایران پیشنهاد داد و خود نیز در تهران طرح امتیاز را تهیه کرد که مورد موافقت ناصرالدین شاه قرار گرفت، ولی با توجیه این‌که فعلاً به

بانک استقراضی

سابقه عقد قرارداد و واگذاری امتیاز بانک استقراضی راه، باید در واگذار نشدن امتیاز احداث راه آهن سراسری ایران ملاحظه کرد. زیرا دالگورکی، سفیر وقت روسیه در ایران - که در رقابت با امتیازات دریافتی انگلستان به عنوان یک قطب اقتصادی در حال توسعه در زمینه های بانکداری، کشتیرانی و آزادی تجارت، احداث راه و... توانسته بود موفقیتی به دست آورد - تلاش کرد امتیاز راه آهن سراسری ایران را برای اتباع روس به دست آورد. در راستای این تصمیم، به تشویق لازار پولیاکوف، سرمایه دار بزرگ روس، به سرمایه گذاری در این زمینه پرداخت. او نیز، پیشنهاد داد که اجازه تأسیس راه آهن رشت - تهران از دولت ایران برایش اخذ شود و باتوجه به علاقه سفیر، این موضوع مورد پیگیری قرار گرفت. (کاظم زاده، صص ۱۸۳-۱۸۵)

به دنبال این تصمیم، لازار پولیاکوف، برادرزاده اش بوریس پولیاکوف را همراه با لف رافائیلوویچ به تهران فرستاد تا درباره امتیاز راه آهن با ناصرالدین شاه مذاکره کنند (صفائی، ۱۳۴۹، ص ۱۶۷). اما بحث مذاکره برای ساختن راه آهن در ایران طولانی شد. زیرا از یک طرف دالگورکی، سفیر روس و پولیاکوف به شدت به دنبال اخذ امتیاز راه آهن بودند و از یک طرف هیئت وزیران روسیه، چندان علاقه ای به این کار نشان نمی داد. (شاهدی، ۱۳۸۱، ص ۶۳)

از طرف دیگر، ناصرالدین شاه هم با این قضیه با احتیاط برخورد می کرد؛ تا این که مدت مأموریت پرنس دالگورکی در ایران پایان یافت و به جای او، اوگنی کارلوویچ بوتزوف (بیوتسوف) به ایران اعزام شد. با ورود او به ایران، موضوع اخذ امتیاز راه آهن پولیاکوف و دیگران نه تنها بکلی رها شد، بلکه سفیر جدید از ناصرالدین شاه تقاضا کرد که قول دهد اصلاً راه آهنی نخواهد ساخت! دلیل عمده این کار نیز، مخالفت انگلستان با ساخت راه آهن در ایران بود. بوتزوف، تلاش می کرد با این کار نظر انگلیسی ها را جلب کند و با آنان از این طریق به سازش برسد. پس در ۱۲ دسامبر ۱۸۹۰ / ۲۹ ربیع الثانی

صلاح دولت نیست، جامعه عمل نبوشید و فقط حق تقدیمی برای ساوالان در مورد ایجاد بانک و راه آهن قائل شدند و در تاریخ ۱۴ ژانویه ۱۸۶۵ فرمان آن نیز صادر شد، ولی به آن ترتیب اثر داده نشد. فرانسوی ها هم - که داشتند گرفتار آلمان می شدند - ظاهراً رقابت روس و انگلیس را در ایران می دیدند و چون در تعقیب آن سودی نمی یافتند، از خیر آن گذشتند. (عصر بی خبری، ۱۳۳۳، ص ۷۸؛ اردکانی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۷۵)

در سال ۱۳۰۶ ق. بانکی انگلیسی در هندوستان به نام بانک جدید شرقی، به عنوان یک شرکت بازرگانی، شعبه ای در تهران باز کرد. ناصرالدین شاه، در ابتدا سخت مخالف بود و آن را به مثابه سم می شمرد. محل این بانک، در ضلع شرقی میدان توپخانه بود؛ جایی که بعداً بانک شاهنشاهی در آن جا ساخته شد و سپس به بانک بازرگانی تبدیل شد و گویا در اصل خانه میرزا قهرمان امین لشکر بوده است. این بانک، نوعی کاغذ در ایران رواج داد که اسکناس نبود بلکه قبضه های بود به صورت حواله خزانه دار با ارزش پنج قران به بالا که در همه شعب قابل پرداخت و در وجه حامل بود. دوره فعالیت این بانک در ایران بیش از دو سال به طول انجامید و بانک شاهنشاهی، ساختمان این بانک را با تمام اثاثیه، حسن شهرت و ارتباطاتش، به بیست هزار لیره خرید. (فرهنگ، ۱۳۵۴، ص ۲۲۶)

این بانک پس از ۶۲ سال فعالیت و سپری شدن دوران امتیازش، با موافقت دولت ایران در ۲۰ اسفند ۱۳۲۸ تحت عنوان بانک انگلیس، در ایران و خاورمیانه کار خود را دنبال کرد. البته ده سال قبل از تأسیس بانک شاهنشاهی، به منظور تشکیل بانک با اسلوب جدید در ایران، حاج محمدحسن امین الضرب، یکی از صرافان بزرگ و روشن بین، پیشنهادی تقدیم ناصرالدین شاه کرد، ولی این طرح را یکی از شهروندان روسیه به نام ژاک پولیاکوف افتتاح کرد که برخلاف بانک شاهی، قسمت های شمالی ایران را حوزه فعالیت خود قرار داد. این بانک نیز در ۲۲ مرداد ۱۳۰۱ به دولت ایران واگذار شد. (مشهدی زاده دهاقانی، ۱۳۷۸، ص ۳۸۳)

۱۳۰۸ بوتزوف و امین‌السلطان قراردادی امضا کردند که مهم‌ترین ماده آن، این بود:

«دولت ایران، متعهد می‌شود که به مدت ده سال از تاریخ امضای این قرارنامه، نه خود اقدام به ساختن راه‌آهن در ایران کند و نه به هیچ کمپانی یا اشخاص دیگر اجازه یا امتیاز ساختن راه‌آهن اعطا نماید؛ و پس از انقضای مدت ده سال بلافاصله دولتین درباره تجدید تمديد با یکدیگر مذاکره به عمل خواهند آورد.» (کاظم‌زاده، صص ۲۱۳-۲۲۲؛ مروین، ۱۳۶۹، صص ۶-۷۶؛ شاهدی، ۱۳۸۱، ص ۶۴)

لرد کرزن هم، درباره این امتیاز نوشته است:

«در سال ۱۸۹۰ م. / ۱۳۰۷ ق. دو نفر از اتباع روس - که کار آن‌ها گرفتن کنترات و امتیازات است - برای تحصیل امتیاز راه‌آهن، به طهران آمدند: یکی موسوم به راخلویچ و دیگری به نام پولیاکوف بود. شخص اولی، سابقاً قنصل مقیم ادسا بوده است. این دو نفر، می‌خواستند امتیاز راه‌آهن و انحصار گمرکات ایران را به دست آورند. پیشنهاد آن‌ها، این بود که از جلفای روس یک خط آهن به تهران و بندر محمره (خرمشهر) و یک خط هم از تهران به مشهد کشیده شود. گرچه مدت مدیدی مذاکرات درباب پیشنهاد آن‌ها ادامه پیدا کرد، ولی عاقبت نتیجه‌ای به دست نیاموردند و از این موضوع مأیوس و خسته شدند. این اشخاص، در قسمت دیگر - که تحصیل امتیاز یک مؤسسه رهنی بود - موفق شدند و این مؤسسه را در تهران دایر کردند که علاوه بر امور رهنی، معاملات بانکی را هم انجام می‌داد و بزودی رقیب بانک شاهنشاهی گردید.» (کرزن، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۷۹۱؛ شاهدی، ۱۳۸۰، ص ۶۵)

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، امین‌السلطان پای قراردادی را امضا کرد که ایران را متعهد ساخت به مدت ده سال هیچگونه اقدامی به منظور ایجاد راه‌آهن انجام ندهد! و یا به دولت دیگری نیز اجازه چنین کاری داده نشود! آیا اخذ چنین تصمیماتی، به رقابت‌های گروه‌های رقیب در داخل حاکمیت روسیه برمی‌گردد و یا به ترس روس‌ها از نفوذ کالاهای انگلیسی با قیمت ارزان از طریق

راه‌آهن سراسری به شمال ایران است؟

به هر جهت، بدون شک رقابت را میان دو گروه سیاسی در روسیه باید برشمرد که شامل فرقه مرکب از دوستان پرنس دالکورکی، سفیر سابق طهران و طرفداران مسیو (زینوویف) سفیر قبل‌تر روسیه در طهران بود که به مدت پانزده سال در ایران اقامت داشته‌اند. اما در دستورالعملی که برای مسیو بوتزوف سفیر جدید تدوین گردید و در روزنامه مسکو گزرت منتشر شد، به پنج مورد اشاره شده است.

نخست آن که در ماده اول آن، تأکید بر تأسیس بانکی در طهران دارد که معاملات پولی بین دو کشور را تسهیل کند. این بانک، درحقیقت به منزله شعبه‌ای از بانک ملتی روس خواهد بود.

دوم این که امتیاز ساختن راه‌آهن را از بارفروش (بابل) و آمل تا طهران به دست آورد و تلاش نماید که اجازه اقامت و کیل‌التجار روس را در اصفهان کسب کند و رعیت روس، اجازه خرید و فروش املاک را در اصفهان به دست آورند. در آخر نیز ترتیبی اتخاذ گردد تا بازرسی کالاهای ایرانی در گمرک ایران به دست مأموران انگلیسی صورت نگیرد. (روزنامه اختر، ۱ شوال ۱۳۰۷. سال ۱۶، شماره ۳۸. صص ۳۰۴-۳۰۵)

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، با اعزام سفیر جدید به ایران، ایجاد بانک استقراضی روس - که تا قبل از این حرفی از آن به میان نیامده بود، مطرح گردید و برادران پولیاکف، داوطلب انجام چنین کاری شدند. از آن‌جا که آنان از قبل با اوضاع اقتصادی ایران آشنا بودند و سود فراوانی نیز از این طریق نصیبشان شده بود، تصور می‌کردند با ایجاد یک مؤسسه مالی و پرداخت وام با سود مشخص به افراد، خواهند توانست سود هنگفت تضمین‌شده‌ای در ایران کسب نمایند. (کاظم‌زاده، ص ۲۵۴)

گرفتن این امتیاز هم با وجود امین‌السلطان - که از روس‌ها هراس داشت - و اعتمادالسلطنه - که گرایش‌های روسی خود را پنهان نمی‌کرد - چندان کار سختی نبود؛ بویژه آن که ناصرالدین شاه در تدارک سومین سفر خود به

بعد از چندی بانک، حوزه عملکرد خود را گسترش داد و اعلام کرد: هرکس از هر قبیل اسباب که در بانک استقراضی به مبلغ یک تومان گرو بگذارد، در هر ماه یک شاهی برای یک تومان تنزیل خواهد گرفت. (تیموری، ۱۳۳۳، صص ۳۳۷ و ۳۴۹)

اما همان طور که گفته شد، دولت روسیه، با ایجاد بانک استقراضی درصدد تثبیت سلطه سیاسی خود و به نوعی سلطه پایدار اقتصادی بود که در بسیاری از موارد، ناقض منافع ملی ایرانیان به نفع روسیه بود که به مواردی از آن اشاره می‌شود. در ضمن درخور یادآوری است که متن کامل قرارداد، در کتاب عصر بیخبری ابراهیم تیموری، آورده شده است که در این تحقیق به آن استناد می‌شود.

تداوم نفوذ روس در ایران

براساس ماده اول قرارداد تنظیم شده میان ایران و «ژاک پولیاکف» درخصوص بانک استقراضی - که با دخالت کنسول‌های روسیه در ایران اخذ شد - دولت روسیه در امور اقتصادی ایران - که خود مبنائی برای حضور در تمامی زمینه‌های دیگر اقتصادی و اجتماعی بود - می‌توانست تا مدت ۷۵ سال دخالت کند، بویژه آن که دولت روسیه با تهدید مرزهای ایران به کمک نیروی نظامی، می‌توانست سطح منافع خود را به حداکثر برساند، بی‌آن که ترسی از بدنامی خود به عنوان استعمارگر داشته باشد. زیرا روس‌ها برخلاف فهمی که ما از عملکرد اقتصاد داریم و اقتصاد و سیاست را گاهی به عنوان دو نهاد مستقل نگاه می‌کنیم، اصلاً مستقل نبودند، بلکه در نگاه سیاستمداران روسی، این دو نهاد به شدت به یکدیگر وابسته بود و رسالت آن‌ها، کمک به افزایش ذخایر دولت روسیه بود.

همین امر، موجب ایجاد نوعی تفکر «اقتصاد سیاسی» شده بود که دولت روس به عنوان دولت قدرتمندتر، می‌کوشید با تحمیل قوانین و مقررات فراوان و همواره در دست تغییر، عملکرد اقتصادی ایران را به نفع منافع خود تغییر دهد. این امر، در تعیین الگوی فرایند سیاسی - اقتصادی مسیری بود که به ایجاد نهادهای اقتصادی

اروپا، می‌بایست از خاک روسیه عبور می‌کرد. درحقیقت، در همین سفر به اروپا بود که پولیاکف توانست نظر ناصرالدین شاه را جلب کند و توافق او را برای تأسیس بانک استقراضی در ایران به دست آورد. (تیموری، ۱۳۳۳، ص ۳۳۷)

امتیازنامه بانک استقراضی یا همان انجمن استقراض ایران، شامل دو قسمت کلی بود که قسمت اول آن به چگونگی تأسیس و فعالیت و نیز شرایط اعطای قرضه بانک به مردم کشور از اقشار مختلف اختصاص دارد و قسمت دوم، عمدتاً به رهن اموال و اشیای منقول از طریق بانک و شرایط انجام حراج و مسائل مرتبط با آن اختصاص یافته است. هریک از این دو قسمت، دارای هجده فصل است و مجموعاً سی و شش ماده را شامل می‌شود و در اول شوال ۱۳۰۷ در دو نسخه تنظیم شده است.

از طرف حکومت ایران، امین‌السلطان صدراعظم و قوام‌الدوله، وزیر امور خارجه آن را امضا کردند و به تأیید ناصرالدین شاه نیز رسید. مدت امتیاز، ۷۵ سال و صاحب امتیاز، ژاک پولیاکوف بود. بدین ترتیب، در سال ۱۳۰۶ ق. / ۱۸۹۱ م. یک بانک روسی با نام فرانسوی «بانک استقراضی» در تهران افتتاح گردید که بعداً تغییر نام یافت و «بانک استقراضی ایران» نام گرفت. (انتنر، ۱۳۶۹، ص ۵۶)

همزمان با فعالیت بانک استقراضی، بانک بین‌المللی بازرگانی مسکو نیز فقط با یک شعبه در تهران، عملیاتش را آغاز کرد و اولین مدیر آن، فرانسوا گونته، جهت توسعه فعالیت بانک و گسترش روابط تجاری ایران و روسیه تزاری جدیت شایان توجهی از خود نشان داد. (کاظم‌زاده، ص ۲۵۵)

بانک استقراضی باتوجه به مطالبی که گفته شد، در سال ۱۳۱۷ ق. / ۱۸۹۹ م. رسماً شعبه‌ای از وزارت مالیه روسیه گردید. کار عمده‌ای که این بانک انجام می‌داد، پرداخت وام با شرایط سهل و آسان به ایرانیان منتفذ و یا طرفداران سیاست روس در ایران بود. در عین حال خود روس‌ها نیز، این پول‌ها را با نرخ ارزان از فرانسوی‌ها قرض می‌گرفتند تا از آن در جهت سیاست شرقی خود، از طریق بانک استقراضی به مردم ایران قرض دهند.

تازه‌ای در ایران مانند بانک انجامید که از یک طرف حاصل منافع سیاسی بود و از طرف دیگر گرچه اقدامات اقتصادی بود، ولی به منافع سیاسی و توسعه نفوذ جدیدی منجر می‌شد. (نورث، ۱۳۷۷، ص ۱۷۶)

این حرکت دوگانه سیاسی - اقتصادی، قربانی شدن نهادهای قدیمی (بومی) اقتصادی ایران را در پی داشت.

از طرف دیگر، نباید قدرت نظامی روسیه و ترس ناشی از سابقه شکست ایرانیان از روس‌ها، ما را به این اشتباه می‌انداخت که دولت روس را دولتی واقعاً قدرتمند به لحاظ اقتصادی تصور کنیم؛ بلکه برخلاف دولت‌های انگلستان و فرانسه و... که در آن سوی دریاها توانسته بودند مستعمراتی کسب کنند، روس‌ها برای قدرتمند شدن، شروع به تصرف سرزمین‌های پیرامون خود کردند و با توقف توسعه ارضی، به منظور تأمین هزینه‌های فزاینده جنگی و برای حمایت از سرمایه و کسب منابع جدید، یک نظام مالی جدید به وجود آوردند که در آن، بانک نقش اساسی را بازی می‌کرد.

بانک‌ها در روسیه از یک طرف حمایت دولت بودند و از سوی دیگر، عامل تقویت قدرت دولت. بانک‌ها توانستند زمینه توسعه بازار سرمایه‌داری خصوصی را فراهم آورند و وقتی در داخل به اندازه کافی قدرت گرفتند، برای جمع‌آوری پول بیشتر، پایشان به کشورهای تحت سلطه‌ای مانند ایران باز شد و ماهی بزرگ روسی، شروع به بلعیدن ماهی‌های کوچک‌تر کرد (درحقیقت پول بیشتر = قدرت بیشتر و قدرت بیشتر = پول بیشتر).

در اولین گام استقرار بانک استقراضی در ایران، تعداد زیادی از نهادهای اقتصادی بومی ایران مانند صرافخانه‌ها، به دلیل ناتوانی در رقابت، بلافاصله بلعیده (ورشکست) شدند و این وضعیت، با گسترش حوزه نفوذ بانک به تصریح ماده سوم (سیاسی)، روزه‌روز فشار را بر اقتصاد ایران بیشتر می‌کرد، بویژه آن‌که بانک براساس ماده هشتم قرارداد، از پرداخت هرگونه حقوق و باج و مالیات و غیره، به هر اسم و رسم معاف شده بود. در حالی که کسبه ایرانی، می‌بایست ده‌ها نوع باج به دولت داخلی می‌پرداختند.

در واقع دولت ایران - که نماینده هیچکدام از طبقات ایران نبود و از ابتدا نیز بر پایه غارت شکل گرفته بود - در کنار دولت استعمارگر، سرگرم غارت رعایا بود و به نوعی دولت خارجی را در چپاول ملت همراهی می‌کرد و برای جبران هزینه‌های خود، فشار بیش‌تری بر مردم تحت سلطه‌اش وارد می‌ساخت و روزه‌روز درآمد و پس‌انداز آن‌ها را از کفشان می‌ربود، و چون ماهیت ملی نداشت و در حالت بسیار ابتدائی عمل می‌کرد (به دلیل ساده بودن ساختار اقتصادی)، برای امنیت مالکیت حقی قائل نبود و فاقد نظام سیاسی و قضائی کارآمد بود تا بتواند به نحو بیطرفانه مؤثر، اجرای قراردادها را بدون محدودیت مکانی و زمانی تضمین کند. (نورث، ۱۳۷۷، ص ۱۹۰)

در چنین وضعی بود که اقتصاد برنامه‌ریزی شده روس، زمینه نفوذ هرچه بیش تراققتصاد مهاجم را فراهم می‌کرد و بسیاری از ایرانیان، ترجیح می‌دادند پول خود را در اختیار دولت خارجی قرار دهند که به دلیل پیشرفته‌تر بودن، برای سرمایه احترام قائل بود تا دولت غارتگر قاجار.

بانک استقراضی، با روش‌های ابداعی خود، سرگرم جمع‌آوری مازاد درآمد مردم بود و چون حاضر بود در مقابل هر ودیعه‌ای به مشیریان خود وام بدهد، همه مردم از پائین‌ترین تا بالاترین افراد جامعه را با تارهای نامرئی اقتصادی به دام می‌انداخت و اسیر خود می‌کرد.

بانک استقراضی رهنی روس، اعلام کرد اشیای گرانبها از قبیل طلا و نقره و جواهر و اشیای متفرقه - که نگه داشتن آن ممکن باشد - از «چیزی که پنج قران بیزد تا هر قدر کرور گرفته، تنخواه قرض داده می‌شود و اشیای مرهونه را مجمع به اتفاق مالک قیمت می‌نمایند و مرهون اگر فلزات گرانبها باشد، بانک در ازاء صد و هفتاد و پنج قرض می‌دهد و اگر از چیزهای دیگر است، در ازای صد و پنجاه یعنی نصف قیمت عادلانه اشیای مرهونه را قرض خواهد داد و در وقت گرفتن آن اشیای رهن، قبض به صاحب آن می‌دهد» که مطالب مسطوره ذیل در آن مندرج است. (تیموری، ۱۳۳۳، ص ۳۴۳)

براساس فصل نهم، بانک مذکور هر قسم اسناد و

نوشته‌های معتبره و اسهام و تمسکات را - که ممکن به قبول داند - رهن گرفته، تنخواه قرض خواهد داد.

بویژه پس از آن که در رمضان ۱۳۰۹ وزارت امور خارجه، اجازه استفاده از لفظ بانک را به روس‌ها صادر کرد، بانک در فراخوانی به عموم مردم، دامنه فعالیت خود را به طور جدی گسترش داد؛ چنان که براساس برخی از مفاد این اعلامیه - که دارای یک مقدمه و پانزده فصل بود - زارعان و مالکان مزارع می‌توانستند از این بانک تنخواهی قرض کنند و حاصل مزارع خود را رهن آن تنخواه قرار دهند، یا یک نفر ضامن با استطاعت بدهند و صبر نمایند تا موقع مساعد برسد و محصول خود را به قاعده فروخته، قرض خود را ادا نمایند. (فصل دهم قرارداد)

این بانک استقراضی رهنی روس، قبول می‌نماید خرید و فروش هر نوع مالتجاره را به وکالت ثانی و به شروط عادلانه. (فصل یازدهم)

هرکس تنخواهی داشته باشد، می‌تواند به طور عندالمطالبه یا به عنوان امانت، وعده در این بانک بگذارد و وضع امانت عندالمطالبه، این است که بانک درصدی دو در سال به صاحب تنخواه تنزیل می‌دهد و کتابچه به اسم صاحب تنخواه به او می‌دهد که هر وقت بخواهد پولی به بانک به طور امانت عندالمطالبه بدهد، در آن ثبت کند ... و چک ... (فصل دوازدهم)

نیز، بانک استقراضی رهنی، پولی را که می‌خواهد در آن به موعده معین امانت بگذارند، قبول می‌نماید و به جای کتابچه - که در فصل دوازدهم ذکر شد - قبوض مخصوص به موعده معین به صاحبان تنخواه خواهد داد و تنزیل این قسم تنخواه در سال درصد چهار خواهد بود. در صورتی که مدت امانت از سه ماه الی ششماه باشد و در صورتی که مدت آن از هفت الی دوازده ماه باشد، در سال صد شش تنزیل خواهد داد و ادای تنزیل و منفعت بعد از انقضای موعده خواهد بود. (فصل سیزدهم)

اشخاص بی‌چیز که می‌خواهند به صرفه‌جوئی رفاهیتی در احوال خود حاصل نمایند، برای امداد به آن‌ها و آسانی کار ایشان، پولی را که پس‌انداز می‌نمایند، بانک

استقراضی رهنی روس به شروط ذیل به طور امانت قبول می‌نماید. (توضیح دارد. فصل چهاردهم)

و هر وسیله و اسباب و اشیا و مالتجاره‌ای که به رهن بانک گذاشته می‌شد، دیگر قابل خرید و یا قابل پرداخت به بدهکاران نبود، و از آن‌جا که بانک از موضع قدرت سخن می‌گفت، چه بسا افراد بدهکار که اموال خود را به رهن بانک می‌گذاشتند و طلبکاران را از دریافت طلب خود محروم می‌کردند. (ماده دهم)

در این میان، شرکت انتظار داشت که دولت ایران براساس ماده ششم قرارداد «هرگاه از جانب شرکت تقاضا شود، دولت هر اقدامی که برای محافظت از هر غرض باشد، بنماید.» به این ترتیب، تکلیف دولت ایران نیز روشن بود که اگر در انجام وظیفه خود سهل‌انگاری می‌کرد، با برخورد شدید کنسول روس در ایران روبه‌رو می‌شد.

همان‌طور که گفته شد، حکومت قاجار، به عنوان ابزار اعمال فشار بر مردم ایران درآمده بود. زیرا براساس قرارداد ترکمانچای، به خود حق می‌داد دولت ایران را مؤاخذ کند و افراد خاطی را طبق قرارداد کاپیتولاسیون تحت تعقیب قرار دهد. چون که در فصل هفتم معاهده ترکمانچای - که مربوط به دعاوی مدنی است - صلاحیت دخالت و حضور کنسول‌های روس و نمایندگان آن‌ها در دعاوی مدنی مشخص می‌شد.

به موجب این فصل، دعاوی مدنی، سه حالت زیر را دارا بودند:

۱. اگر اختلاف میان دو نفر از اتباع روسیه پیش می‌آمد، محاکم قضائی ایران حق رسیدگی نداشتند و برای حل مراعات بین آن دو، فقط محاکم روسیه حق رسیدگی داشتند.

۲. اگر اختلاف بین یک نفر از اتباع روسیه و بیگانه‌ای از کشوری غیر از ایران بود، در این امور هم محاکم قضائی ایران حق رسیدگی نداشتند، منتها قرارداد ترکمانچای در این مورد محکمه‌ای تعیین نکرده بود و فقط سلب صلاحیت از محاکم قضائی ایران کرده بود، مگر آن‌که تراضی طرفین دعاوی بود که در محاکم ایران اختلاف

آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گرفت.

۳. اگر اختلاف بین تبعه روس و ایران بود، در این محاکم ایران حق رسیدگی داشت، منتها با حضور کنسول یا نماینده او، محاکم صلاحیت این کار را پیدا می‌کردند. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ص ۱۵۹۰)

حق قضاوت کنسولی داده شده در عهدنامه تجارتي به روسیه، تا آن زمان در ایران بی‌سابقه بود. این مصونیت قضائی، همه اتباع روسی و ایرانیانی را که در خدمت روس‌ها بودند، شامل می‌شد. طبق عهدنامه ترکمانچای، روس‌ها اجازه یافتند در ایران سفارت دائمی و سفیر مقیم داشته باشند. قبل از آن هیچ کشوری در ایران سفارت دائم نداشت و معمولاً سفرا در خانه صدراعظم اقامت داشتند.

حق قضاوت کنسولی، باعث شد که بعد از ترکمانچای «تجار و رعایای عادی روس نیز به مانند نمایندگان سیاسی آن کشور، با غرور و تبختر تمام در ایران رفتار کنند و کسی نمی‌توانست جلوی خلافتاری‌ها و تجاوزگری‌های آنان را بگیرد. برخوردارای کارمندان و مأموران ایرانی در استخدام روسیه از این مصونیت، باعث شد که کم‌کم تعداد بیشماري از ایرانیان تابعیت روس بگیرند. ظلم و ستم قاجارها نیز به این امر بیش‌تر دامن می‌زد؛ تا جائی که اکثر اقلیت‌های مذهبی بخصوص ارمنه، سعی کردند تا خود را از تابعیت ایران خارج نمایند.» (انتنر، ۱۳۶۹، ص ۳۶)

این، نتیجه تجارت بود. زیرا تجارت فقط در عرضه کالا به عموم خلاصه نمی‌شد، بلکه کم‌کم به حوزه‌های مختلف سیاسی و قضائی نیز کشیده شد.

باتوجه به ضعف اقتصادی دولت قاجار در مقابل دولت‌های استعمارگر بخصوص دولت روسیه، دیوان محاکمات و کارگزاری‌ها و محاکم مختلط تحت نفوذ دول قدرتمند روس و انگلیس درآمد بودند. عمل و ایادی روسیه - که به نام «تاجرباشی» و «اگت» نامیده می‌شدند - صدی نود و نه از محاکمات را به نفع اتباع روسیه خاتمه می‌دادند (فخرائی، ۱۳۵۲، ص ۴۱). به این ترتیب اقتصاد برتر، به معنای داشتن قدرت بیش‌تر در عرصه چانه‌زنی سیاسی بود.

بانک، ابزار فشار بر نخبگان ایران

بانک استقرایی، سرانجام توانست با گسترش فعالیت‌های خود بویژه در زمینه قرض دادن و گرو گرفتن، به صورت نهادی تأثیرگذار در کشور ایران درآید. زیرا همه چیز را به گرو برمی‌داشت حتا هویت و شخصیت آدم‌ها را! در دنیای جدید، همه چیز و همه کس قابل خرید بود، به شرط آن که قیمت مناسب برای آن پرداخت می‌شد.

اما بانک به دنبال خرید نبود - گرچه اگر لازم بود، می‌خرید - بلکه گرو برمی‌داشت و برای بانک مهم نبود این گروی از کجاست و لزومی به تحقیق نیز نمی‌دید. در این باره، در رساله مظفری آمده‌است:

«... این بانک، مایه رسوائی است. بدین معنی که مقدار زیادی از اشیا که به گرو بانک می‌سپارند، مال دزدی است. صاحب مال هم که پیدا می‌شود، بانک به او پس نمی‌دهد.» (قانون مظفری: رساله خطی)

بانک، با همین شیوه از سوددهی بالائی نیز برخوردار بود. زیرا این بانک، علاوه بر وثیقه، صدی دوازده تنزیل می‌گرفت و صدی دو حق الزحمه و حق الحفظ که به قانون تنزیل در تنزیل، در پنج سال و اندی بانک دویست تومان در عوض صد تومان می‌گرفت. (روزنامه حبل‌المتین، شماره ۴۰، سال ۸، ص ۳)

بجز وام‌های خرد و کلانی که بانک به شهروندان ایرانی می‌پرداخت، بعداً هم در سطح کلان، بانک اقدام به وام دادن به دولت ایران کرد که از آن جمله وام درخواستی دولت مظفری بود.

مظفرالدین شاه که جهت سیر و سفر به اروپا نیاز به پول داشت، در ۱۳۱۸ ق. / ۱۹۰۰ م. از انگلیسی‌ها تقاضای وام کرد، ولی موفق نشد. اما در عوض بانک استقرایی، بدون توجه به مسائل اقتصادی، حاضر شد بیست و دو میلیون روبل (برابر ۵۵ میلیون فرانک) به نرخ صدی پنج به شاه تقدیم کند. این وام، فقط در مدت ۷۵ سال قابل استهلاك بود و از ده سال بعد نیز بازپرداخت آن شروع می‌شد.

اما شرایطی که روس‌ها افزون بر بهره یاد شده به شاه

ایران تحمیل کردند، عبارت بود از:

۱. شاه، متعهد می‌شد که از محل آن، جمیع وام‌های موضوع قراردادهای ایران را با خارجیان مسترد کند.
۲. تا زمانی که قسمتی از این وام را نپرداخته باشد، از کشور دیگری وام نگیرد.
۳. فقط از روس‌ها وام بگیرد.
۴. عواید گمرکات ایران بجز گمرکات خلیج فارس، برای تأدیة وام‌ها در موعد مقرر مصرف شود.

این وام از دیدگاه سیاسی، ایران را هرچه بیش‌تر وابسته به روس‌ها می‌کرد و در عین حال، به لحاظ اقتصادی نیز روس‌ها خود این پول را به نرخ ۳٪ از فرانسه وام گرفته بودند. (روزنامه حبل‌المتین، شماره ۴۰، سال ۸، ص ۳) پولی که مظفرالدین شاه در ۱۳۱۷ ق. / ۱۹۰۰ م. از روس‌ها گرفت، پس از چند ماه به اتمام رسید، و امین‌السلطان سرگرم مذاکره با بانک شاهنشاهی برای گرفتن وام دیگر شد. اما انگلیسی‌ها حاضر به پرداخت مبلغ موردنظر نشدند (کاظم زاده، ۱۳۴۵، ص ۳۳۴) و صدراعظم دوباره به بانک استقراضی روی آورد.

گروبه (Grube)، رئیس بانک استقراضی روس در ایران، حاضر شد ۰۰۰,۰۰۰, ۱۰ روبل برای او با شرایط جدید فراهم کند: عقد پیمان جدید بازرگانی، طرد نفوذ انگلیسی‌ها از ضرابخانه تهران و اعطای امتیاز لوله‌کشی نفت به بانک استقراضی روس. امین‌السلطان، شرایط روس‌ها را پذیرفت و در تاریخ ۱۳۱۹ ق. / ۱۹۰۲ م. این مبلغ را به حکومت ایران پرداخت. چنانچه ایران نمی‌توانست اقساط وام را مرتباً بپردازد، روسیه مجاز بود اداره گمرک‌های ایران را بجز فارس و بنادر خلیج فارس به دست گیرد. (کاظم‌زاده، ۱۳۴۵، صص ۳۶۵، ۳۴۴)

روس‌ها در هر شرایطی آماده وام دادن به ایران و گسترش نفوذ سیاسی خود بودند. چنان‌که وام جدید تمامی ورودی‌ها و خروجی‌های این کشور را بجز بخش‌هایی که در اختیار انگلستان بود، به دست روس‌ها سپرد و از همه مهم‌تر این‌که روس‌ها بهتر از هر کسی می‌دانستند که دولت ایران این پول‌ها را به منظور انجام

سفرهای بیهوده مظفرالدین شاه به اروپا می‌خواهد که دردی از مردم ایران دوا نمی‌کرد و ظاهراً آنان نه تنها با این امر مخالفتی نداشتند، بلکه به منظور گرفتار کردن دولت ایران در چنبره مشکلات اقتصادی و اخذ امتیاز بیش‌تر، از آن استقبال هم می‌کردند.

چنان‌که آنان در عوض پرداخت وام‌های جدید، عواید ماهیگیری دریای خزر و عواید تلگراف را نیز به گرو گرفتند. بعد از شاه، این بانک با دست و دلبازی به هر کس دیگر از بزرگان کشور (وزیران، درباریان، علما، اعیان و دیگر ارباب نفوذ و...) وام می‌داد. به طوری که در ذیحجه ۱۳۲۲ / مارس ۱۹۰۴ طلب این بانک فقط از ساکنان شهر تهران، ۱۶ میلیون منات بود. (جمالزاده، ۱۳۸۴، ص ۱۰۴)

براساس تحلیل سیاستمداران روسی، هر کس قیمتی داشت و بانک وسیله خرید آدم‌ها شده بود؛ چنان‌که انتر نوشته است: «بانک، وسیله پرداخت‌ها و پیشکش دادن به سیاستمداران و درباریان بود. مبلغ هنگفتی به محمدعلی، ولیعهد ایران دادند تا قرض‌های خود را یکجا کرده و بهره کم‌تر بپردازد و به او وعده دادند هر وقت حرکت کند، مبلغ بیش‌تری به او قرض دهند. در سال ۱۹۰۶ این مبلغ یک میلیون و ششصد و بیست و هفت هزار روبل بود. دیگران هم وجوهی گرفته بودند.» (۱۳۶۹، ص ۸۸)

به این ترتیب، محمدعلی شاه به ابزار سیاست روس‌ها تبدیل شده و در تمام دوران مبارزه‌اش با مشروطه‌خواهان از حمایت بی‌دریغ بانک استقراضی برخوردار بود و وقتی که در سال ۱۳۲۷ ق. / ۱۹۰۹ م. عزل گردید، به واسطه فشار روسیه، دولت ایران همه دیون او را تقبل و تضمین کرد که به وی مقرری سالانه ۱۰۰,۰۰۰ تومان از طریق بانک استقراضی بپردازد که این مبلغ بعداً به ۶,۵۰۰ تومان کاهش یافت. (لینتن، ۱۳۶۷، ص ۹۵)

بانک استقراضی همچنین، به کامران میرزا نایب‌السلطنه پیشین ناصرالدین شاه مبلغ ۳۱۸,۴۵۷,۵۲۵ قران و به شعاع‌السلطنه، پسر مظفرالدین شاه، در قبال املاکش مبلغ ۴۱۶,۴۱۳, ۱ قران وام داده بود. (معتضد، ۱۳۶۶، ص ۴۵۶)

روزنامه حبل‌المتین نوشت: «از روزی که شعب بانک روس در رشت افتتاح شد، اجزای آن، آنی از شمردن پول و نوشتن اسناد و دفاتر فراغت ندارند. حتا شب‌ها هم مشغولند. علت این معامله که با کمال شدت پیشرفت نموده، آن است که هر کس پول بخواهد، علی‌العمی می‌دهند، مثل این‌که از صندوقی به صندوق دیگر دانند (از کثرت نفوذ و اقتدار). همه نوع اشخاص از عالی و دانی از بانک روس پول گرفته و می‌گیرند.» (ربیع‌الثانی ۱۳۲۰، شماره ۳۹، سال ۹)

زیرا بانک توجهی به جنبه بازرگانی و سود آن نداشت و نرخ بهره بانک بسیار نازل بود و برای معاملات یکساله حداکثر ۵ درصد و برای معاملات دو ساله ۷/۰۵ و برای معاملات سه ساله ۰/۰۶ دریافت می‌کرد و از این راه دوستان مدیون، مرعوب و مجذوب برای دولت روسیه تزاری فراهم می‌کرد (معتضد، ۱۳۶۶، ص ۴۵۵) که اغلب از آن به منظور سیاسی استفاده می‌شد؛ به این ترتیب که اعتبارات هنگفتی با تسهیلات گوناگون ارائه می‌شد و سپس ناگهان فشار فوق‌العاده‌ای برای وصول آن صورت می‌گرفت، و چون مقررات کاپیتولاسیون در ایران وجود داشت، نمایندگان روسیه دخالت می‌کردند و عرصه را بر بدهکاران - که اغلب از افراد ممتاز جامعه بودند - تنگ می‌کردند و آنان را مجبور به پذیرفتن خواسته‌های خود می‌کردند. (تاریخچه بانک ملی، ۱۳۳۷، ص ۴۵)

چنانچه انجمن ایالتی گیلان، در مهر ۱۳۲۹/۱۲۹۰ ق. در طی تلگرافی به تهران، درباره مزاحمت‌های بانک برای دو تن از سرشناسان گیلان اطلاع داد: «بانک روس، یک نفر نوکر شخصی خود، حسین نام را مأمور ساخته که تا تمام طلب بانک را نسبت به حضرت مستطاب آقای حاج محمدرضا مجتهد رئیس انجمن شهر و حاج سید محمود رئیس عدلیه مأخوذ دارد و منفک از معظم‌الیها نشود. فراش هم ملازمت اختیار کرده و هر آن نقطه که آقای حاج میرزا محمدرضا تشریف می‌برند، اعم از انجمن و غیره، در آن نقطه همراه است. حتا در این ساعت که تلگرافخانه برای حضور حاضر شدیم، فعلاً همراه است.»

(معتضد، ۱۳۶۶، ص ۴۵۵)

اما درخصوص املاک خریدن بیگانگان، باید گفت، گرچه براساس قانون، آنان حق داشتن املاک را در ایران نداشتند مگر در مواردی خاص، ولی این بانک به برکت وام‌هایی که می‌داد و وثیقه‌ای که به گرو برمی‌داشت، مالک بسیاری از مستغلات گردید و به گزارش لیتن، «قریب ۴۸ میلیون روبل به ایرانیان قرض داد و در مقابل گروه‌های ملکی گرفت.» (۱۳۶۷، ص ۹۸)

بانک، بدین‌وسیله املاک و مستغلات زیادی در سراسر شمال ایران به تصرف خود درآورد و به این ترتیب، زمینه را برای دخالت نمایندگان دولت روسیه در امور ایران فراهم کرد. (تاریخچه بانک ملی، ۱۳۳۸، ص ۴۵)

برای نمونه در اصفهان این بانک، اداره همه مایملک شاهزاده ظل‌السلطان را در اختیار گرفت.

به هر روی، از ۱۳۲۷ ش. / ۱۹۹۸ م. - که کلیه سهام بانک استقراضی به بانک دولتی پترزبورگ منتقل شد و در معنی تحت اداره وزارت دارائی روسیه درآمد - بانک به یک دستگاه کاملاً سیاسی تبدیل گردید و هدف‌های اقتصادی و تجاری آن تحت‌الشعاع و تابع منظوره‌های سیاسی دولت روسیه قرار گرفت؛ نماینده سیاسی مخصوصی برای امور بانک به تهران فرستاده شد و مدیرکل مؤسسه مزبور در تهران و مدیران شعب در ایالت و ولایات، تحت امر و حکم او قرار گرفتند، و به منظور هماهنگی بین سیاست دولت روسیه و عملیات بانکی، در اغلب موارد اداره بانک استقراضی به واسطه بازرگانی سفارت محول می‌گردید و مقام مزبور هر دو سمت را توأم دارا بود. سرمایه و موجودی بانک در اختیار سفارت روسیه قرار داشت و در مواقع لزوم مورد استفاده قرار می‌گرفت. (تاریخچه بانک ملی ایران، ۱۳۳۸، ص ۴۴)

و حبل‌المتین در جای دیگر نوشت: «این بانک، به ایرانیان - که بکلی از علم حساب و عاقبت‌اندیشی بی‌بهره‌اند - پول قرض می‌دهد و در مقابل رهن می‌گیرد یا منقول و یا غیرمنقول است، صدی دوازده پول می‌گیرد و صدی دو حق‌الزحمه و حق‌الحفظ مال مرهونه را به دست می‌آورد

که به قانون تنزیل در تنزیل در پنج سال و خرده‌ای بانک دویست تومان در عوض صد تومان از ملت اخذ نموده و ایرانی بیچاره، ششصد و پنجاه تومان متضرر گردیده و بلکه زیاده در سابق اگر یک ایرانی با یک ایرانی این معامله بلکه اشد از این را می‌برد، پول ملت به خارج نمی‌رفت و در داخل مملکت می‌ماند.» (شماره ۴۰، سال ۸، ص ۳)

بانک و تجارت

از حوزه‌های دیگر فعالیت بانک استقراضی، تجارت بود. براساس فصل هفتم قرارداد، «هر شخص تاجری می‌تواند از این بانک تنخواهی قرض کند به دادن سندی که امضا کرده باشد و ضامن دیگر لازم ندارد. در صورتی که مال‌التجاره رهن بگذارد که بانک بتواند آن را قبول کند و موعد تنخواه استقراض زیاده از سه ماه نخواهد بود و تاجری که تنخواه قرض می‌کند، باید علاوه بر منفعت مقرر، اجرتی برای نگه داشتن مال‌التجاره و حفظ آن به بانک مزبور کارسازی نماید و آن اجرت از روی تناسب مال‌التجاره و حجم آن است. هرگاه مدیون بعد از سه ماه مال‌التجاره خود را از رهن بیرون نیاورد و جنس مال‌التجاره به طوری باشد که بانک مزبور قابل تجدید معامله نداند، حق دارد که مال‌التجاره را در ماه بعد از انقضای مدت به حراج بفروشد و تنخواهی را که قرض داده، با منفعت زمان پس افتاده و حق نگذاشتن و حفظ کردن و خرج حمل و نقل و مخارج فروش از قیمت مال‌التجاره بردارد، بعد از آنچه باقی ماند، حق صاحب مال‌التجاره است.»

با استناد به این بند و دیگر مفاد قرارداد، بانک موفق شد تراز بازرگانی را - که سال‌ها به نفع ایران بود - به نفع روس‌ها تغییر دهد. برای مثال تجارت ایران که در سال ۹۰۷-۹۰۸ ق. / ۱۵۰۱-۱۵۰۲ م. مبلغ ۲۰۲,۱۷۵,۶۲۵ قران بود، ۱۱۳,۷۵۵,۵۸۴ قران آن واردات و ۸۸,۴۲۰,۰۴۱ قران آن صادرات بود. در سال ۱۹۰۲-۱۹۰۳ م. شامل ۲۴۳,۱۷۷,۷۷۲ قران شد؛ که ۱۱۹,۷۹۵,۰۴۷ قران آن واردات و ۱۲۳,۳۸۲,۷۲۵ قران صادرات بود.

به کمک همین بانک، تجارت روسیه ۶۲ درصد کل تجارت را دربرمی‌گرفت و شامل ۱,۰۰۳,۹۰۸,۹۱۰ قران می‌شد.

بانک استقراضی در راستای گسترش تجارت روس، برای تاجر ایرانی واردکننده کالای روسی، اعتبار نامحدود قائل می‌شد و از این طریق، شهرهای ایران از کالاهای روسی انباشته شد. برای مثال بانک، کالاهای معینی را (عمدتاً کتان) برای مشتری ایرانی خریداری می‌کرد و آن‌ها را به قیمت‌هایی به آن‌ها می‌فروخت که تاجران معمولی، قادر به رقابت با این قیمت‌ها نبودند، و علاوه بر این، بانک به تاجرانی که از بازار روسیه خرید می‌کردند، کمک کرد تا مالیات‌ها و تمام هزینه‌ها را برطبق قوانین جدید گمرکی ظرف زمان محدودی پرداخت نمایند. زیرا تاجر خرده‌پا به دلیل نداشتن پول، نمی‌توانستند کالاهای خود را به موقع از گمرک ترخیص نمایند. البته این در صورتی بود که از روسیه کالا وارد می‌کردند. در این صورت بانک صورتحساب‌ها را می‌گرفت و تنها با دریافت ۲ درصد حق‌العمل، کالاها را ترخیص و انبار می‌کرد ... اگر محموله از حجم بالائی برخوردار بود، بانک به تاجر کمک می‌کرد تا در چند نوبت کالا را تحویل بگیرد و حتا برای دریافت پول، بانک صبر می‌کرد تا مشتری اولین کالای خود را می‌فروخت و سرمایه‌ای به دست می‌آورد، بدهی‌اش را به بانک می‌پرداخت و نیز بقیه کالا را از انبار ترخیص می‌کرد و سفارش دیگری به روسیه می‌داد.

کارهای دیگر بانک عبارت بود از: حفظ صورت قیمت‌ها، نمونه‌ها، پذیرش و انجام دادن سفارش‌ها و ترخیص و انبار کردن کالاها (گزارش هیئت بازرگانی هند - بریتانیا اعزامی به جنوب شرقی ایران، ۱۳۷۶، ص ۴۲)؛ و در بین سال‌های ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۵ بانک همانند یک شرکت دلالی صادرات و واردات و یا بازرگان درآمدی بود. به این معنا که از مشتریان محلی صورت احتیاجات را می‌گرفت و از طریق شعب باکو، نژنی گورود و مسکو، جنس را تهیه می‌کرد و اعتبار مناسب به اجناس ساخت روسیه می‌داد. در تهران و دیگر ولایات ایران، انبارهایی در نظر گرفته شده

بود که در آنجا اجناس روسی به معرض نمایش درمی آمد و حاضر برای فروش به مشتریان بود. شعب بانک نمونه چیت و پارچه های موجود بازار را تهیه و به کارخانه های روسی آن ها را سفارش می دادند که به حساب و برای بانک نظیر آن ها را تهیه کنند. بانک، در خرید و فروش آن ها مستقیماً اقدام می کرد. (انتتر، ۱۳۶۹، ص ۸۲)

امیر گیلانشاه در خاطرات خود نوشته است: «بانک روس (بانک استقراضی) هم با تجار باب معامله را گشود و هرگاه به دفتر بانک استقراضی - که به دولت (ایران) تسلیم کرد - توجه شود، به هر کس قرض داد و از طرف دیگر اجناس خرازی و امتعه ابریشمی و بلورجات به تجار می داد که پس از فروش به اقساط طویل المدت بپردازند و بدین ترتیب، بازار پر شد از امتعه.» (امیر گیلانشاه، بی تا، ص ۱۱۵؛ شاهدی، ص ۴۴۳)

هوگو گروته، در خاطراتش درباره نقش برجسته بانک استقراضی در توسعه نفوذ تجاری - اقتصادی روسیه تزاری در ایران، چنین آورده است: «بانک استقراضی با پشتوانه مالی دولت روسیه و اجازه ریخت و پاش بدون حساب، وظیفه اش را - که همانا پیشبرد و گسترش بازرگانی روسیه است - به نحو احسن انجام می دهد. این بانک، برای واردات از روسیه با گشاده دستی اعتبارات کلانی در اختیار بازرگانان روسی و ایرانی می گذارد و در ساختن فروشگاه های نمونه و شرکت های وارداتی کمک می کند ...» (گروته، ص ۲۶۸؛ شاهدی، ص ۴۴۳)

براساس فصل نهم قرارداد بانک مذکور، هر قسم اسناد و نوشتجات معتبره و اسهم و تمسکات را - که ممکن به قبول داند - رهن گرفته، تنخواه قرض خواهد داد. (تیموری، ۱۳۳۳، ص ۳۴۳)

بانک از طریق وام و اعتبار به بازرگانان واسطه تجارت روس در ایران، نفوذ قابل ملاحظه ای در بازار یافت. بانک، تجار ایرانی را تشویق می کرد تا تابعیت روس را بپذیرند و در مواقع بروز اختلاف با مقامات ایرانی به مشاوران بانک متوسل شوند و صورت لاعلاجی مدارک لازم را

برای تبعه روس شدن فوری و فوتی آنان و برخورداریشان از مزایای کاپیتولاسیون فراهم می کرد و در شرایطی که تجار ایرانی در وضعیت اسفباری به سر می بردند، تجار تبعه روس، در ظل پرچم روس وضعیت خوش و مرفهی دارا بودند که نمونه آن، استقبال پرشکوه و پرتجمل «سیدهاشم قندی»، یکی از واردکنندگان درجه اول قند روس به تهران از لومینسکی، دیپلمات روس است که به صورت مفصل در کتاب ایران و ایرانیان آمده است. (معتضد، ۱۳۶۶، صص ۴۵۶-۴۵۷)

یک نفر کارشناس دیگر معتقد است که بانک تا ۸۵ درصد قیمت شکر روسی صادراتی به ایران را تضمین می کرد. بانک، صاحب مؤسسات صنعتی متعددی بود و تأمین بودجه بیش تر امتیازات روسی را در ایران به عهده داشت. (انتتر، ۱۳۶۹، ص ۸۵)

بانک، صادرکننده کالای ایران به روسیه هم بود. به این معنا که بانک در شهرها برای مالکان یا با واسطه برای زارعان اعتبار باز می کرد و اقدام به خرید محصول آن ها از قبیل ابریشم، خشکبار، فرش، پنبه، پشم و سایر مواد خام می کرد. در گیلان بانک با چنین روشی همه شرکت های رقیب فرانسوی و یونانی را از میدان رقابت خارج کرد و جای آن ها را به تجار روسی و ارمنی داد. (انتتر، ۱۳۶۹، ص ۸۵)

سرمایه گذاری بانک در صنعت نفت ایران

روس ها که بازار نفت ایران را از سال های ۱۸۷۰م. به بعد در اختیار گرفته بودند، پس از آن که مظفرالدین شاه در سال ۱۹۰۱م. امتیاز استخراج نفت را به ویلیام ناکس داریسی اعطا کرد، روس ها به صورت جدی از طرف انگلیسی ها احساس خطر کردند و کوشیدند میزان صدور نفت را به ایران گسترش دهند؛ تا آنجا که نفت روسی توانست بازار خلیج فارس را نیز تحت کنترل خود در آورد. در این سال روس ها به طور جدی به فکر کشیدن لوله نفت از طریق خاک ایران به حوزه خلیج فارس بودند تا بتوانند با صدور هرچه بیش تر نفت، دست رقبای تجاری خود را از تجارت

این محصول کوتاه کنند. (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۵۱۴)

این پروژه، در پایان اوت ۱۹۰۱ تقدیم نیکلای دوم گردید. طبق احتساب مقدماتی وی، هزینه حمل و نقل یک پوت [از اوزان روسیه] نفت سفید از باکو به نزدیک‌ترین بندر هندی - با توجه به این که خط لوله ماورای قفقاز با آخرین ظرفیت‌اش کار کند - بالغ بر هفده کوپک بود؛ در حالی که خط لوله نفت سفید از طریق ایران فقط شش کوپک و یا سه برابر ارزان‌تر تمام می‌شد. به نظر طراح این پروژه، ایجاد این خط لوله نفت سفید، امکانات زیادی برای صنعت نفت روسیه در بازارهای آسیائی ایجاد می‌کرد (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۵۱۴) و نیکلای دوم، تأکید کرده بود که این موضوع دارای اهمیت زیادی است و باید با جدیت دنبال شود. (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۵۱۵)

لذا گروه، رئیس کل بانک استقراضی - که مسئولیت پیگیری امتیاز فوق را داشت - در ژانویه همان سال توانست موافقت امین‌السلطان را با اعطای امتیاز موردنظر به روس‌ها جلب کند. این در حالی بود که انگلیسی‌ها با این طرح روس‌ها به شدت مخالف بودند و گروه، موافقت کرده بود تا در صورت اعتراض داری، «مسئولیت جوابگوئی به امتیاز روسیه، به عهده دولت روسیه واگذار شود» (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۵۱۵). ولی نکته مهم این که اگرچه روس‌ها برای کسب امتیاز زحمت زیادی کشیدند، اما بلافاصله کار را شروع نکردند و در قرارداد نیز مقرر شده بود که بانک استقراضی باتوجه به زمان امتیازنامه، باید امتیاز را سرّی نگهداشته و تا دو سال آینده کار را شروع نکنند و بانک نیز در عرض این دو سال به ایران اعلام می‌کرد که آماده انجام امتیاز هست یا نه.

بانک، متعهد شده بود که کار ایجاد خط لوله را نباید از زمان اعلام ساختمان آن تا سه سال به تعویق بیندازد و باید از روزی که زمین موردنیاز امتیازنامه را به دست بیاورد، در عرض پانزده سال تکمیل‌اش کند. این سیاهه، در ۱۶ فوریه ۱۹۰۲ به تصویب وزارت مالیه رسید و به گروپ در تهران فرستاده شد تا به صدراعظم تقدیم گردد. (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۵۱۸)

ولی در همان سال لامسدورف در نامه‌ای به تاریخ ۱۵ فوریه ۱۹۰۲ به نشانی وی، نظر خود را راجع به این موضوع اعلام کرده است (با جملات نسبتاً مبهم). وی، با این گفته شروع کرده که او، نیازی به ادامه مذاکرات با دولت ایران نمی‌بیند و از حیث سیاسی هم چشم‌پوشی از مواد مورد بحث و خصوصاً «از نظر دخالت دولت انگلیس در این موضوع» قانع‌کننده نیست و نتیجه گرفته بود که بسیار عاقلانه خواهد بود که «احتمال رضایت ما درخصوص تعدیل بعضی از شرایط قرضه و حتا مبادله امتیازنامه یاد شده با بعضی شرایط دیگر» فراهم گردد. (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۵۱۹)

بانک، در حوزه سرمایه‌گذاری نیز دخالت می‌کرد و به نمایندگی از دولت روس، شخصاً امتیاز احداث جاده جلفا - تبریز - قزوین و استخراج معادن نفت و زغال اطراف راه‌آهن را به طول ۶۰ ورست در تصاحب داشت. (لیتن، ۱۳۶۹، ص ۹۸)

به این ترتیب، روسیه تلاش گسترده‌ای به کار می‌برد تا با استفاده از خط‌مشی توأمان سیاسی - اقتصادی و تجاری، حیطة عمل خود را در ایران بیش از پیش توسعه دهد. چنان که لمسدورف وزیر خارجه وقت روسیه تزاری در سال ۱۹۰۴م. درباره سیاست‌های آتی آن کشور در ایران خطاب به وزیر مختار دولت متبوع‌اش در تهران چنین دستورالعمل داد:

«هدفی که ما تعقیب می‌کنیم... در ارتباط طویل‌المدت با ایران می‌توان چنین بیان کرد. حفظ تمامیت و عدم تجاوز به سرزمین شاه با عدم توسعه ارضی برای خودمان و اجازه ندادن به کشور دیگری که بر آن تسلط یابد و سپس با آرامی و بدون کار بردن زور، ایران را تحت نفوذ خود درآوریم، بدون این که دخالتی در استقلال ظاهری آن کشور یا سازمان‌های داخلی آن بکنیم؛ یا به زبان دیگر، کار ما آن است که از نظر سیاسی ایران را مقید و مطیع خودمان کرده، ولی قدرت آن به حدی باشد که به عنوان وسیله اقتصادی در دست ما بوده و قسمت عمده بازار آن را در اختیار داشته باشیم، تا سرمایه‌ها و بازرگانان

روسی از آن استفاده کنند. این رابطه نزدیک و نتیجه سیاسی و اقتصادی خاص آن وقتی تحصیل شود، اساس محکمی خواهد بود که بر آن پایه می‌توان فعالیت‌های مفید انجام دهیم.» (انتتر، ۱۳۶۹، ص ۸۱)

تجارت نقره و کاهش ارزش پول

پول ایران در دوران قاجار برپایه فلز نقره استوار بود و مسکوکاتی هم که از نقره ضرب می‌شد، قران نام داشت که به آن اصطلاحاً پول سفید می‌گفتند. ورود نقره در دوران قاجار به ایران، سود فراوان برای واردکنندگان دارا بود که انحصار آن در اختیار بانک شاهنشاهی و سپس بانک استقراضی و تعدادی از تجار و صرافان ایرانی قرار داشت. بانک استقراضی از اواخر دهه ۱۸۹۰م. به بعد معمولاً از واردکنندگان عمده نقره به ایران محسوب می‌شد که با گسترش دامنه فعالیت خود، شعباتی در ایالات مختلف ایران بویژه ایالات شمالی راه‌انداخت مانند بانک شاهنشاهی قرضه‌هایی به دولت ایران داد و در عوض اجازه ورود نقره را برای ضرب سکه دریافت کرد. (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۵۴۳)

سود بالای ورود نقره به ایران، موجب شده بود که بانک شاهنشاهی و استقراضی به رقابت برای به دست آوردن سهم بیش‌تری از بازار اقدام کنند و در این میان بانک استقراضی برای وارد کردن نقره موردنیاز ضرابخانه، با برخی از تجار و صرافان ایرانی نیز مشارکت می‌کرد و بالاخص هنگامی که این تجار داخلی امتیازات ویژه‌ای برای واردات نقره به دست می‌آوردند، تمایل بانک برای این‌گونه همکاری‌ها بیش‌تر می‌شد. (شاهدی، ۱۳۸۱، ص ۴۷۶)

این بانک با تلاش‌هایی که انجام داد، موفق شد با دولت ایران در زمینه ورود نقره قراردادهایی منعقد نماید که موجب گردید تا اواخر دوران فعالیتش (فوریه ۱۹۲۱) در ردیف بزرگ‌ترین واردکنندگان نقره باقی بماند (روزنامه عصر جدید، ۱۱ صفر ۱۳۳۵، سال سوم، شماره ۳۷، ص ۲؛ شاهدی، ۱۳۸۱، ص ۴۷۹) و در طول جنگ جهانی اول - که ارزش پول برخی کشورهای درگیر جنگ با کاهش روبرو شده بود - بانک به خروج نقره از ایران و

فروش آن به کشورهای آسیای میانه و سایر نقاط روسیه می‌پرداخت. (جمالزاده، ۱۳۸۴، صص ۱۷۶-۱۷۷)

در گزارشی در سال ۱۳۳۳ق. در این باره آمده است: «دیروز جمعی از تجار آذربایجان مذاکره می‌کردند که روس‌ها چند روز است جداً پول طلا و نقره ایران را جمع کرده، به روسیه می‌برند، و نیز کاغذی که از خوی حاجی محمدجعفر صراف نوشته بود، قرائت می‌کردند. اجمالاً مضمون کاغذ این بود که دیروز یک نفر مأمور حکومت و یک نفر سالدات روس به حجره بنده آمده، ده هزار تومان پول قران خواستند که در عوض آن منات روسی بدهند. گفتم قران موجود ندارم. باور نکرده، تمام حجره و حتا رفته، خانه مرا تفتیش کردند. بعد از این که از من مایوس شدند، به حجره سایرین رفتند. بعد از تفتیش هرچه پول طلا و نقره پیدا می‌کردند، ضبط نموده، منات کاغذ می‌دادند و اظهار می‌کردند که این یک مسئله پلتیک تازه است و تا یک ماه دیگر در طهران و در سایر شهرهای شمال ایران بکلی پول طلا و نقره تمام خواهد شد.» (مستشارالدوله، ۱۳۶۷، صص ۷۰-۷۱)

بانک، «راه» نفوذ اقتصادی - سیاسی روس را در ایران هموار کرد.

مهم‌ترین راه شوسه‌ای که امتیاز ساخت آن را مستقیماً بانک استقراضی از حکومت ایران گرفت، راه شوسه تبریز - قزوین بود. روس‌ها از سال قبل تلاش کرده بودند تا جهت گسترش حوزه تجارت و نظامی خود در مسیر آذربایجان تا تهران راه‌های ارتباطی مناسبی ایجاد و آن را تحت کنترل خود داشته باشند. لذا زمانی که مظفرالدین شاه وام جدیدی از بانک تقاضا کرد، روس‌ها از فرصت استفاده کردند تا اولیای امور ایران امتیاز ساخت این راه مهم را به بانک استقراضی بدهند. (تیموری، ۱۳۳۳، صص ۳۵۴-۳۵۶)

در ذیحجه ۱۳۱۹ حکومت ایران طی توافقی با گروهی، رئیس کل بانک استقراضی به توافقی دست یافتند که امتیاز ساخت راه شوسه را از مسیر تبریز تا قزوین به بانک مذکور واگذار می‌کرد. با احداث این راه، موقعیت اقتصادی

- سیاسی روسیه در مناطق شمالی ایران بیش از پیش تحکیم می‌یافت. قسمت اول انزلی - قزوین در حدود سه میلیون روبل تمام شد که یک میلیون آن را در مسکو تأمین کردند. وزارت دارائی روسیه یک میلیون دیگر را قبول کرد و قبول پانصد هزار روبل را مشروط به این نمود که بخش خصوصی هفتصد هزار روبل قبول کند. این شرط تأمین شد و ساختمان راه در ۱۸۹۶ آغاز و در اوت ۱۸۹۹ ساخته شد.

در عمل به دلیل مشکلاتی که شرکت حمل و نقل و بیمه از لحاظ مالی گرفتار آن شد، موجب گردید که از سال ۱۹۰۶م. دولت روسیه مستقیماً درگیر ماجرا شود و آن را در اختیار خود گیرد. این امر موجب شد که نفوذ اقتصادی - سیاسی دولت روسیه در ایران ابعاد گسترده‌تری پیدا کند. زیرا از یک طرف هزینه حمل کالا را پائین آورد و از سوی دیگر آبرو و حیثیت روسیه را بالا برد. در تمام مسیر راه، نام ایستگاه‌ها به روسی نوشته شده بود و در آن‌جا که روس‌ها باج راه را دریافت می‌کردند، افراد روسی مستقیماً سرگرم خدمت بودند و بنا به یک گزارش «... نه تنها مسافر ایرانی که از شمال به پایتخت می‌رود، حس می‌کند که روس‌ها دارنده راه‌های از شمال تا مرکز هستند، بلکه مردمی که در مناطق مجاور راه زندگی می‌کنند، به صورت کارگر در ساختن راه شرکت کرده، رفته رفته روس‌ها را به چشم کارفرما و ارباب می‌بینند.» (انتتر، ۱۳۶۹، ص ۹۵)

در ۱۹۰۲م. کمپانی روسی امتیاز راه جلفا - تبریز را به دست آورد تا از آن‌جا به راه قزوین - تهران وصل شود که در دست وزارت دارائی روسیه بود. این راه - که در جلفا می‌توانست به راه‌آهن قفقاز وصل شود - از ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۴م. هر سال متجاوز از ۲/۵ میلیون پود کالا از این راه عبور داده، به ایران وارد می‌شد. راه آستارا - اردبیل نیز گرچه به دست یک ایرانی شروع شد، ولی با ورشکست شدن او تکمیل آن به اختیار وزارت دارائی روسیه و نماینده آن در ایران یعنی بانک استقراضی قرار گرفت. (انتتر، ۱۳۶۹، ص ۹۷)

کارشکنی بانک استقراضی در ایجاد بانک ملی

اندیشه تأسیس بانک در ایران، به نظریات میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله برمی‌گردد. او در رساله تنظیمات، تأسیس بانک ملی را پیشنهاد کرد و با بحث از چگونگی سرمایه اولیه آن و نحوه ایجاد، به اهمیت بانک در مبادلات تجاری و امور مالی اشاره کرد. ملکم‌خان بانک را «سرچشمه ثروت ملل و محرک و محیی تجارت و آبادی مملکت» می‌دانست. (حقدار، ۱۳۸۳، ص ۴۰)

ملکم در گزارش روز چهارم رجب ۱۲۹۲ - که از لندن به تهران فرستاد - به وزیر خارجه چنین نوشت: «در تمام کتب ایران لفظی نیست که دایر بر اکونومی پولطیک باشد. هیچ حکیم ایرانی بدون چندین سال درس فرنگی، هرگز نخواهد فهمید که پول کاغذی، یعنی چه، و استقراض ملی به چه تدبیر ممکن است ... عقلای ما هرچه می‌خواهند، بگویند. چیزی که ما باید علی‌الاصول فریاد بزنییم و شب و روز، حواس و قوای خود را صرف اجرای آن نمائیم، این است که بانک و راه‌آهن در این عهد از برای ایران شرط حیات شده است و خارج از این مقدمات، هر تدبیر و هر زرنگی و هر پهلوانی که به کار ببریم، بجز مزید فلاکت و هجوم گرسنگی و تمسخر و تقبیح دنیا هیچ حاصل نخواهیم دید - ملکم». (رائین، ۱۳۵۳، صص ۴۳ و ۴۴)

ملکم در رساله‌ای به نام «اصول تمدن» و یا «اصول ترقی ملت»، درباره نقشه عمران و توسعه اقتصادی ایران مطالبی نوشته و در ذیحجه ۱۲۹۴ آن را به وزارت خارجه فرستاد که می‌توان از آن به عنوان نخستین برنامه توسعه و عمران اقتصادی ایران نام برد. در این رساله، او درباره به کار انداختن سرمایه‌های داخلی و جلب سرمایه‌های خارجی مباحث قابل توجهی دارد و ضمن نامه‌ای که در ۲۱ صفر ۱۲۹۳ به میرزا حسین‌خان سپهسالار نوشته است، تأکید بر ایجاد بانک ملی برای جذب پول ایرانیان به منظور سرمایه‌گذاری کرده و در نقد رفتار برخی از صاحبان سرمایه - که پولشان را در بانک‌های خارجی می‌گذارند - آورده است:

«... از عجایب اتفاقات، یکی هم این بود که اهل ایران کسی که در بانگ انگلیس پول گذاشته، همان شخص است که با تعصب تمام فریاد می‌کرد که عمل بانگ خلاف شرع محمدی است. این پول را هم به چنان بانکی نگذاشته است که استعمال آن اقلایک بار به کار اهل اسلام بیاید، بلکه پول اسلام را برداشته و به چنان بانکی فرستاده که فایده آن منحصر عاید کفر می‌شود ...»

با وجودی که ملکم ده‌ها بار در گزارش‌های دولتی، رسالات گوناگون، و در مذاکرات حضوری درباره لزوم تأسیس بانک ملی نظریات مختلفی ابراز کرده است (رائین، ۱۳۵۳، ص ۱۲۸)، در نامه‌ای نیز حاج محمدحسین امین‌الضرب به ناصرالدین شاه که در ۱۵ شعبان ۱۲۹۶ نوشته شده، آمده است: «واضح است که [در] ساختن کارخانه‌های معتبر و تجارت‌های بزرگ، یک نفر و یا دو نفر قدرت انجام و اتمام کار بزرگ را ندارند. کارهای بزرگ، اتفاق دولت و ملت را لازم دارد» و چون در ایران بانک بر پا شود و اعتبار به هم رساند، مردم پول خود را به بانک خواهند سپرد. «حتا این که بیوه زنان ایران هر کدام ده مثقال طلا یا نقره داشته باشند، پول می‌کنند و به بانک می‌دهند ... و بعد از یک سال بانک می‌تواند «تدارک بعضی کارخانه‌های معظم را بکند که رفع احتیاج رعیت ایران از بعضی چیزهای فرنگستان بشود». «در واقع بر پا نمودن بانک معتبر هیچ کاری ندارد و در نهایت سهولت و آسانی ممکن است و اعتبار و امنیت از جانب اولیای دولت می‌خواهد.» (آدمیت، ص ۳۰۹)

اما با پیروزی انقلاب مشروطیت و گشایش مجلس اول در ذی‌قعدة ۱۳۲۴/۱۹۰۶م. - که بحث استقراض از خارجیان مطرح بود - نمایندگان به دولت توصیه کردند تا بانک ملی تأسیس کند.

اما مجلس - که امکانات مالی لازم را در اختیار نداشت - تصمیم گرفت که با کمک تجار چنین بانکی را افتتاح نماید. لذا یکصد نفر از تجار و بزرگان کشور، طرح تأسیس بانک ملی را به مجلس تقدیم کردند و در همان سال نیز مجلس امتیاز آن را به مدت ۱۱۰ سال به این افراد

واگذار کرد که برخی از مؤسسان آن عبارت بودند از: حاج محمدابراهیم ملک‌التجار و حاجی محمدحسین کازرونی و کسان دیگر مانند شیخ خزعل، حاج امین‌الضرب، ارباب جمشید و جمعی از درباریان و وزرا. (روزنامه مجلس، ۲۵ شوال ۱۳۲۴، سال ۱، شماره ۱۰)

جهت حمایت از بانک، مجلس برخی امتیازات دیگر را نیز به مؤسسان بانک واگذار کرد، مانند امتیاز کشیدن راه‌آهن، اکتشاف معادن، صید مروارید، و ... در ضمن مقرر شد که عایدات دولت به همین بانک واریز شود. (قبالة تاریخ، ۱۳۶۸، ص ۶۷)

اما بزرگ‌ترین چالش پیش روی بانک ملی را، باید رقابت دو بانک شاهی و استقراضی دانست. چنان که در این باره ادوارد براون آورده است:

«مسئله تأسیس بانک ملی با روندی نامطلوب‌تر پیش می‌رفت، گرچه مساعی سترگی برای گردآوری سرمایه لازم از طریق اعانه انجام می‌گرفت. حدود یکصد تن از افراد، هریک پنج هزار تومان مساعدت کردند؛ در حالی که پاره‌ای دیگر مبلغی حتا بیش‌تر تا حدود سی هزار تومان اعانه دادند. مردم فقیر هم یاری کردند. طلاب، کتب خود را و زنان زیورآلاتشان را برای حمایت بانک می‌فروختند. تنها در تهران یک میلیون تومان گردآوری گردید، ... در حالی که بانک‌های روس و انگلیس هم مشکلات و دشواری‌های دیگری در راه تأسیس بانک می‌آفریدند و تا آن‌جا که میسر بود، می‌کوشیدند کسب پول را برای این بانک دشوار و نایاب کنند. زیرا بنا به اقوال، بر آن بودند که اگر بانک ملی با سرمایه شش میلیون تومان تأسیس شود، آنان دیر یا زود کسب و کار خود را از دست داده و مجبور به کناره‌گیری به نفع این بانک خواهند گردید. (براون، ۱۳۷۶، ص ۱۳۸)

اما در زمانی که شور و هیجان راه‌انداختن بانک ملی در اوج خود بود، یکی از پارسیان ایران به نام «ارباب پرویز» - که از علاقه‌مندان تأسیس بانک ملی بود - در یزد به قتل رسید. به دنبال این حادثه، بانک شاهی و بانک استقراضی روس، هر دو به جمع‌آوری رسید طلب‌های

قدرت اقتصادی است - به این منظور شروع به گسترش نفوذ خود در سرزمین‌های اطراف نمودند. آنان برخلاف اروپائیان با گسترش کمپانی‌ها به تولید سرمایه نپرداختند، بلکه سرمایه‌داری روس، از همان ابتدا با استفاده از سلاح اقدام به غارت دیگر کشورها نمود.

روشتاین درباره این رابطه نوشته است: «سرمایه بازرگانی محرک توسعه‌طلبی روسیه نبوده، بلکه انگیزه تجاوزه‌های روسیه، میل به چنگ زدن و ربودن هر چیز چنگ‌زدنی و ربودنی است» (نصر، ۱۳۶۳، ص ۳۰۳) و پترکبیر، در وصیتنامه‌ای که به او نسبت می‌دهند، اظهار داشته است که «باید تدابیر گوناگون به کار برد که مملکت ایران روزبه‌روز بی‌پول‌تر شود و تجارتش تنزل کند و به طور کلی همیشه باید در فکر تنزل این مملکت بود.» (نصر، ۱۳۶۳، ص ۳۰۵)

نقطه مقابل این نظریه، پولدارتر شدن روسیه بود. در واقع پترکبیر توصیه می‌کرد تا آن‌جا که می‌توانید تلاش کنید ثروت‌های موجود در ایران، عثمانی و هند را - که موجب قدرتمند شدن کشورهای آن سوی کره زمین شده - به خود اختصاص دهند. ظاهراً هیچ محدودیتی در استفاده از ابزار نیز وجود نداشت. همان‌طور که روس‌ها بعدها ثابت کردند که در این راه از جنگ، تحمیل قرارداد، ترور و یا نفوذ از طریق بانک و سایر مؤسسات مالی و یا تجاری خودداری نمی‌کنند.

با این تفصیل اگر انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه رخ نمی‌داد، بانک استقراضی به عنوان بازوی مالی دولت روسیه، ایران را به طور کامل به «گرو» می‌گرفت یا خریداری می‌کرد. زیرا به قول کرزن: «واضح شده است که اساس سیاست روسیه در شرق، بر این پایه است که هر پیشرفت سیاسی یا نظامی، دنباله‌رو سیاست تجارتهای باید باشد و برقراری تجارتخانه و ایجاد و ارتباط دادن معافیت و جوایز برای کالاهای صادراتی یا وارداتی بازارهای شرق، از مشخصات دیپلماسی آسیائی آن‌هاست.» (انتنر، ۱۳۶۹، ص ۵۹)

بانک استقراضی روس، تا هنگام انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ / ذیحجه ۱۳۳۵ به کار خود ادامه داد و بعداً به

اشخاص از مؤسسه صرافی جمشیدیان از بازار ایران مشغول شدند، تا این‌که این مؤسسه را ورشکست کردند و پس از این حادثه، شایع شد که مؤسسه پارسیان قادر به سرمایه‌گذاری در زمینه ایجاد بانک نیست و قرارداد ۱۹۰۷ م. / ۱۳۲۴ ق. ایجاد برنامه بانک ملی را متوقف کرد.

(رائین، ۱۳۵۳، ص ۱۲۹)

و روزنامه حبل‌المتین درباره نقش سیاست‌های بازدارنده بانک استقراضی در مسیر توسعه اقتصادی ایران نوشت:

«یکی از وسایل عمده ضعیف کردن یک ملت، قطع داد و ستد است تا دست تنگی عرصه را بر آن‌ها تنگ نمایند و مجبور شوند هر شرایطی که تحمیل نمود، مبلغی از طرف قرض کنند. ما به رأی‌العین مشاهده می‌کنیم که اجانب در دست تنگی ما می‌کوشند و روزبه‌روز حالت بی‌پولی ما زیاده‌تر می‌گردد. امروز را با دو ماه گذشته که مقایسه می‌کنیم، خیلی بی‌پولی بیش‌تر و رشته ثروت گسیخته‌تر گردیده، وضع کنونی طوری است که به واسطه نداشتن پول، قادر به حرکت دادن یک فوج یا صد قزاق نیستیم. تجار برای دو سه هزار تومان حیران و سرگردانند. بانک روسی که درحقیقت یکی از اسباب این کار است، باب داد و ستد را بسته و متصل زور می‌آورد به وصول مطالبات خود؛ حتا از کسی که هزار تومان طلب دارد، به گرفتن پنج تومان راضی می‌شود. زیرا که می‌داند گرفتن پنج تومان هم به یک اندازه گردش چرخ معامله را مانع می‌شود. دور نیست بعد از این دیناری به احدى ندهد و به اسم برچیدن دکان زور، به وصول مطالبات روبیاورد.» (۵ شعبان ۱۳۲۵، سال ۱، شماره ۱۱۵، ص ۱)

نتیجه‌گیری

حاصل سخن این‌که، روس‌ها پس از آن‌که توانستند به اوضاع و احوال اقتصادی خود سر و سامانی دهند بویژه پس از حکومت پتر کبیر - که اصلاحات او زمینه رشد سرمایه‌داری را در این کشور فراهم کرد و آنان متوجه شدند که قدرت واقعی دولت‌ها در میزان ذخایر ارزی و

موجب فصل نهم عهدنامه دوستی ایران و شوروی مورخ ۱۹۲۱ که مقرر می‌داشت «چون دولت جمهوری فدراتیو سوسیالیست شوروی، مخالفت خود را با سیاست مستمرانه کاپیتالیست‌ها که موجب ازدیاد فقر و فاقه و باعث سفک دما بوده‌اند، علناً اعلام کرد. لهذا جدا از استفاده از کارهای اقتصادی دولت امپراتوری روسیه - که مقصود رقیب اقتصادی ایران بود - صرف نظر می‌نماید و به این ملاحظه تمام نفوذ و نفایس و قروض و مطالبات و کلیه اشیای منقوله و غیرمنقوله بانک استقراضی ایران را، واقعه در خاک ایران کاملاً به ملت ایران تفویض می‌کند.» (تیموری، ۱۳۳۳، ص ۳۴۹)

به این ترتیب، بانک استقراضی در اختیار ایران قرار گرفت و دولت، حساب‌های آن را تصفیه و به جای آن بانک ایران را تأسیس کرد.

◆ منابع

۱. اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۷). تاریخ منتظم ناصری. (محمداسماعیل رضوانی، مصحح). تهران: دنیای کتاب، ۳ جلد.
۲. امیر گیلانشاه (اعتماد همایون). (بی‌تا) یکصد و پنجاه سال سلطنت در ایران. بی جا: بی نا.
۳. انتنر، ل. مروین (۱۳۶۹). روابط بازرگانی روس و ایران (۱۸۲۸-۱۹۱۴). (احمد توکلی، مترجم). تهران: موقوفات دکتر محمود افشار.
۴. براون، ادوارد (۱۳۷۶). انقلاب مشروطیت ایران. (مهری قزوینی، مترجم). تهران: کویر.
۵. تاریخچه بانک ملی ایران (۱۳۳۸). تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
۶. تیموری، ابراهیم (۱۳۳۳). عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران. تهران: اقبال.
۷. جمالزاده، محمدعلی (۱۳۸۴). اوضاع اقتصادی ایران. تهران: سخن.
۸. حقدار، علی‌اصغر (۱۳۸۳). مجلس اول و نهادهای مشروطیت.

- تهران: مهر نامک.
۹. رائین، اسماعیل (۱۳۵۳). میرزا ملکم‌خان. تهران: صفی علیشاه.
 ۱۰. روزنامه حبل‌المتین. شماره ۴۰، سال ۸ (۳).
 ۱۱. شاهدی، مظفر (۱۳۸۱). بانک استقراضی ایران. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
 ۱۲. صفائی، ابراهیم (۱۳۴۹). اسناد نویافته. تهران: بی‌نا.
 ۱۳. فرهنگ، منوچهر (۱۳۵۴). زندگی اقتصادی ایران. تهران: چاپخانه مروی؛ نورث، داگلاس (۱۳۷۷). نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی. (محمدرضا معینی، مترجم). تهران: سازمان برنامه و بودجه.
 ۱۴. قبالة تاریخ. (ایرج افشار، کوششگر). تهران: طلایه.
 ۱۵. کرزن، جرج. ن (۱۳۶۲). ایران و قضیه ایران. (وحید مازندرانی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی، ج ۲.
 ۱۶. گزارش هیئت بازرگانی هند - بریتانیا اعزامی به جنوب شرقی ایران: اوضاع اقتصادی ایران در آغاز قرن بیستم (۱۳۷۶). (معصومه جمشیدی، محمدتقی حروفچین، محمد عوادزاده، مهنوش میراحسان، مترجمان). تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
 ۱۷. لیتن، ویلهلم (۱۳۶۷). ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی: اسناد و حقایق درباره تاریخ نفوذ اروپائیان در ایران ۱۸۶۰-۱۹۱۹. (مریم میراحمدی، مترجم). تهران: معین.
 ۱۸. محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۶). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. تهران: دانشگاه تهران، ج ۲.
 ۱۹. مستشارالدوله، صادق (۱۳۶۷). خاطرات و اسناد صادق مستشارالدوله. مجموعه سوم (ایرج افشار، کوششگر). تهران: طلایه.
 ۲۰. مشهدی‌زاده دهقانی، ناصر (۱۳۷۸). برنامه‌ریزی شهری در ایران. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
 ۲۱. معتضد، خسرو (۱۳۶۶). حاج امین‌الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران. تهران: جانزاده.
 ۲۲. نصر، سیدتقی (۱۳۶۳). ایران در برخورد با استعمارگران. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.